

معماری و ابعاد آموزش آن بر پایه متون حکمی^۱ (با تأکید بر حفظ هویت ایران اسلامی)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۱/۲۸

مصطفی آزاد* - اسما خامه‌چیان** - حمیدرضا فرشچی***

چکیده

معماری هر سرزمین، نشان هویت آن است. ایران با پیشینه درخشانش در تمدن و گسترش دین اسلام در آن، دارای هویت تاریخی، ایرانی، اسلامی قوی است که لازمه حفظ آن شناخت اصول بنیادی و مبانی نظری معماری است. در گذشته، اصول و ارزش‌ها در غالب نظام استاد شاگردی در بستر فرهنگی جامعه منتقل می‌شده است که امروزه جای این آموزش در مدارس معماری خالیست. بهترین راه شناخت آموزش معماری در معماری سنتی مراجعه به بناها و مکتوبات مرتبط با معماری است که در این زمینه اثر تدوین شده‌ای که مستقیماً مرتبط با معماری باشد، به ما ارباب نرسیده و اغلب تحقیقات به شکل توصیفی بر روی آثار انجام شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سؤال است که پشته‌های علمی و ارزشی معماری سنتی ما چه بوده است؟ چگونه می‌توان آن را آموزش داد؟ در این مسیر سعی شده با تأکید بر متون فارسی درجه یک در دوره زمانی سده اول تا دوازدهم مبانی بنیادی علمی و حکمی (معرفتی) آنان به روش استنادی و در پی آن استنباطی بررسی شود. در این راستا با مطالعه متون کهن حکمی و فیش‌برداری و استخراج مطالب مرتبط با معماری، مواردی که از آن‌ها می‌توان در آموزش معماران آینده استفاده کرد، مورد توجه قرار گرفته است. کتاب‌های احصاء العلوم، مجمل الحکمه، گزیده اخوان الصفا، رساله معماریه، فتوت‌نامه بنایان نمونه‌های مورد بررسی هستند. یافته‌های تحقیق در متون کهن مبین این است که معماری با فنون و علوم نظری- عملی دیگر نظیر ریاضیات، هندسه، علم حیل و موسیقی در ارتباط بوده و آموزش معماری همراه با تعالیم اخلاقی و اعتقادی با محور جهان‌بینی توحیدی بوده است. همراه کردن آموزش‌های اخلاقی در کنار آموزش‌های حرفه‌ای لازمه معماری با هویت در آینده کشورمان است. بازبینی در شرح دروس دانشگاهی رشته معماری و رشته‌های مرتبط آن راهکاری برای رسیدن به هدف است.

واژگان کلیدی: آموزش معماری، هویت ایران اسلامی، مبانی نظری، متون کهن فارسی.

* کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

** کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Sama.k1404@gmail.com

*** استادیار معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مقدمه

مبانی نظری اساس شکل‌گیری کالبد معماری است و حسن مخلوق در گرو حسن خالق می‌باشد. اندیشه و روح درون معمار در معماری به ظهور می‌رسد. معماری ظرف زندگی انسان محسوب می‌شود و قالب این ظرف بر اساس دانش، اعتقادات و باورهای ذهنی سازندگان معماری شکل می‌گیرد.

معماری سنتی ما روزگاری سرشار از کیفیات، معانی و حافظ تعادل حیات انسانی به جهت مادی و نیز روح انسانی بوده است. اما اکنون به دنباله روی از انواع سبک‌های غربی از سهم کیفی و روح آدمی در بنا و دست‌ساخته‌های خویش غافل شده‌ایم. بازگشت به خویش نیاز به شناخت هویت جامعه و یافتن مبانی فکری منبعث از فرهنگ ایرانی اسلامی دارد. در پاسخ به این نیاز و تدوین این مبانی، شناسایی منابع و بررسی و جستجو در آن از گام‌های نخستین محسوب می‌شود. مقاله حاضر سعی در یافتن اندیشه‌ها، علوم و فرهنگ‌های یاری‌گر در منابع مکتوب میراثی است.

پژوهش شامل سه سؤال است: ۱. مبانی نظری یاری‌گر معماران سنتی چه بوده‌است؟ ۲. مبانی نظری چگونه در طراحی و ساخت معماران اثر گذار بوده‌است؟ ۳. ابعاد لازم جهت آموزش معماری، شامل چه مواردی می‌شود؟ در این راستا علوم و اندیشه‌های یاری‌گر مؤثر بر معماری از میان متون کهن فارسی درجه یک (فتوت‌نامه‌ها، متون علمی و حکمی و غیره) مستخرج شده‌اند و موارد کلیدی آن در حدی که وسعت مقاله اجازه می‌دهد مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. روش تحقیق

پژوهش از لحاظ هدف، از نوع پژوهش کاربردی و از لحاظ نوع پژوهش، کیفی است که در آن از روش استنادی و در ادامه آن از روش استنباطی برای رسیدن به پاسخ سؤالات استفاده شده‌است و همچنین از لحاظ نوع مطالعه، پژوهش کتابخانه‌ای که از اسناد کتابخانه‌ای شامل مقالات، کتاب‌ها، متون کهن فارسی، فیش‌برداری‌ها برای مطالعه استفاده شده است. به این صورت که ابتدا با تهیه فهرستی از متون کهن حکمی، با تحدید زبانی و زمانی کتاب‌ها، چند نمونه که ارتباط بیشتری با موضوع داشته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. ادبیات پژوهش

پیشینه تحقیق شامل دو دسته می‌شود. دسته اول؛ تحقیقاتی که به گردآوری، نسخه‌یابی، اصلاح و بازبینی و دیگر موارد از این قبیل در مورد منابع کهن پرداخته‌اند که نمونه‌های مرتبط با معماری (Farabi, 1969; Helabi, 1984; Necipoglu, 2010; Daneshpazhoh, 1996; KhanMohammadi, 1992) در حیطه این نوشتار قرار می‌گیرد و دسته دوم؛ پژوهش‌هایی که در جستجوی نکاتی به واکاوی و تجزیه تحلیل این منابع می‌پردازند (Mohaghegh, 1991) پژوهش حاضر از دسته دوم است که به بررسی معماری و آموزش معماری در برخی متون می‌پردازد.

بنابر پژوهش دکتر قیومی‌بیدهندی (۱۳۸۸) جستجو در منابع کهن نیازمند شناخت و رعایت آداب مخصوص به خود است، "در این وادی جز تعداد معدودی تحقیقات و تجربیات (اعم از مکتوب و غیر مکتوب) کار جامع و بنیادین که بتواند راهنما معماران و طراحان قرار گیرد انجام نشده است" (Naghizade, 1999). یکی از آثار قریب به موضوع، پژوهش دکتر قیومی‌بیدهندی (۱۳۸۵) است که رساله معماریه را برای دست‌یابی به قواعد آموزش معماری واکاوی کرده است که از نتایج آن در ادامه سخن به میان خواهد آمد و در دیگر منابع (Mohaghegh, 1991; Golijani Moghaddam, 2007) جایگاه معماری و علوم در منابع کهن بررسی شده است و در اثری دیگری (Necipoglu, 2010) محقق با دیدگاه تاریخی، علمی معماری اسلامی را مطالعه نموده که جای خالی ارتباط معماران سنتی با اهل تصوف خودنمایی می‌کند که نتایج حاصل از پژوهش حاضر، نشان از وجود ارتباط قوی میان این دو دارد.

۳. تعاریف و مفردات موضوع تحقیق

۱-۳- هویت

هویت در فرهنگ لغت دهخدا عبارت از تشخیص، و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است (Dehkhoda, 1955, p. 349). در فرهنگ عمید هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به هو است (Amid, 1987, p. 1984) در فرهنگ معین، هویت این گونه بیان می‌شود: ۱. ذات باری تعالی؛ ۲. هستی، وجود؛ ۳. آنچه موجب شناسایی شخص شود (Moein, 1992, p. 5228)، یعنی آنچه باعث تمایز فرد از دیگری شود. از این رو هویت در خلاء مطرح نمی‌شود و الزاما یک خود وجود دارد و یک غیر و گرنه شناسایی معنا پیدا نمی‌کند (MirMoghtadaii, 2004, p. 32). آکسفورد از هویت به عنوان کیستی و چیستی شخص یاد می‌کند (Oxford, 2008; Mohd Davinejad, 2010, p. 113) ۱. منظور ما از هویت، حقیقت شیء است که مشتمل بر وجوه مختلف ذاتی، صفاتی و کارکردی آن می‌باشد. آنچه در این مقاله بیشتر بر آن توجه شده است، هویتی است که

از زمینه‌های فکری و فرهنگی یک تمدن حاصل می‌شود.^۲

۲-۳- هویت ایران اسلامی

منظور از هویت ایران اسلامی اندیشه و فرهنگی است که در سیر تاریخی گسترش اسلام همراه با رشد فرهنگ و تمدن ایرانی تجلی پیدا کرده است.^۳

۳-۳- آموزش معماری

معماری یکی از تأثیرگذارترین و ماندگارترین وجوه نمایش هویت و فرهنگ جامعه است. این مطلب بیانگر اهمیت توجه به معماری و آموزش معماری است که در گذشته مورد توجه معماران سنتی بوده و در درون خود نظام آموزشی‌ای داشته‌اند که علاوه بر آموزش معماران، زمینه‌ساز پرورش یافتن فکر و روح انسانی آن‌ها هم بوده تا بناها و شهرهایی مطابق با فرهنگ و زندگی خویش بسازند.

۴-۳- مبانی نظری^۴

مبانی نظری، پایه‌های کالبد معماری هستند که محکم بودن آن‌ها لازمه شکل‌گیری معماری مطلوب است و لازم است که در روند آموزش تربیت معماران و ساختن شالوده اندیشه آن‌ها حتماً به شکل دادن مبانی نظری آن‌ها توجه کرد تا معماری با هویت را شکل دهند. در نظام سنتی آموزش معماری در ایران صرفاً شامل آموزش‌های عملی نبوده و آموزش مبانی نظری و مبانی فکری بخش دیگری از آموخته‌های معماران را تشکیل می‌دهد (Ghoddusifar, 2012). از دلایل سردرگم بودن معماری امروز ایران، روشن نبودن اندیشه و مبانی فکری پشتیبان معماری است؛ معماری خوب زمانی به ظهور می‌رسد که بر اندیشه و فرهنگی روشن و قوی تکیه زده باشد.

۴- راه‌های جستجوی مبانی نظری معماران سنتی

بررسی متون کهن دست اول، یک راه دستیابی به مبانی نظری معماران سنتی است که روشنگر خط مشی فکری معماران آن زمان است. در این راستا، کتب احصاء العلوم، مجمل الحکمه، گزیده اخوان الصفا، رساله معماریه و فتوت نامه بنایان، بررسی شده‌اند و مبانی نظری نهفته در منابع در چهار حوزه معماری و علم، معماری و الهیات، معماری و اخلاقیات و معماری و آموزش طبقه‌بندی شده است.

احصاء العلوم: فارابی (قبل از ۳۳۹ ه.ق.)، این کتاب پس از تألیف در دسترس دانشمندان کشورهای اسلامی قرار گرفته است و سنگ اول بنای نوعی از فرهنگ‌های علمی اسلامی واقع شده است (Farabi, 1969, p. 11).
مجممل الحکمه: ترجمه گونه‌ای کهن از رسائل اخوان الصفا است. اخوان الصفا تنی چند از دانشمندان آزاد اندیش و بیدار دلی بودند که در بصره انجمنی بنیاد گذارند و می‌خواستند میان دین و فلسفه سازش دهند (Daneshpazhoh, 1996, p. 1).

گزیده اخوان الصفا، نمونه دیگری از ترجمه فارسی رسائل است.

رساله معماریه را جعفر افندی از معماران اوایل سده یازدهم هجری در مناقب یکی از معماران برجسته اناطولی دوره عثمانیان، محمدبن عبدالمعین، نوشته است. نویسنده علاوه بر شرح احوال و مناقب‌های او به تناسب مقال به مطالب دیگر می‌پردازد که به نحوی به شغل صاحب تذکره و علایق او مربوط است (Efendi, 2010).
رساله جوانمردان یا «فتوت نامه» از دستورالعمل‌هایی عقیدتی و اجرایی اهل هر حرفه بوده است.

۵. معماری و علم

۱-۵- تعریف معماری و پایه آن

آموزش معماری آن گاه امکان می‌یابد که تعریفی کامل، شامل و معلوم از معماری وجود داشته باشد که بتوان آن را آموزش داد (Hojjat, 2003, p. 64). فارابی معماری را این گونه تعریف می‌کند: "امور مفرد بسیار و پراکنده وقتی محصور و مندرج در قوانینی شود که ترتیب معینی را در ذهن ایجاد کند. به صورت صنعتی یا بخشی از صنعتی درمی‌آید هم چون پزشکی، معماری، کشاورزی و دیگر صناعات علمی و نظری (Farabi, 1969, p. 42). گذشتگان معماری را از صناعات تراز اول و در کنار کشاورزی و پزشکی می‌دانند، علاوه بر این به ایجاد ترتیب معین در ذهن یا همان هارمونی اشاره دارد و معماری را حاصل وحدت اجزایی می‌دانند و لازمه رسیدن به هارمونی و وحدت را قانون می‌داند و قانون در معماری را این گونه معرفی می‌کند: "هر قضیه‌ای در صنعتی قانون شده می‌تواند برای یکی از مطالبی که ذکر شد (پزشکی، معماری، کشاورزی و غیره) قاعده و قانون قرار گیرد و به همین جهت بوده که پیشینیان هر ابزاری را که به بررسی آنچه ممکن

است حس آدمی بدون آن در شناخت کمیت یا کیفیت جسمی یا جز آن خطا کند، به کار می‌رفته قانون نامیده‌اند؛ همچون شاقول و پرگار و خط‌کش و ترازو (Farabi, 1969, p. 42). در آموزش باید بعد کمی و کیفی توأمان مورد توجه قرار گیرد. ابزار این آموزش شناخت قوانین است که شامل ابزارهای حرفه، قضیه‌های حرفه و حرفه‌های مرتبط می‌شود. در دیگر جای این گونه گفته‌اند: "در این زمانه اگر معماران و آموختگان را سخنی از علم هندسه فراز آوری، گویند: «آری از آن شنیده‌ایم؛ اما خود نیک ندانیم که چه سازد و به چه پردازد»... آن که این علم مستطاب و این فن کمیاب درنیافته است، ... در صنعت معماری حذاقت و مهارت نخواهد یارست" (Efendi, 2010, p. 57). هندسه قانونی است برای معماری، قانونی که از به خطا رفتن آن جلوگیری می‌کند، این امر به کمک ابزارهایی مانند خط‌کش، پرگار، گونیا و غیره اتفاق می‌افتد.

۲-۵- رابطه معماری با دیگر علوم

"علم تعالیم به هفت بخش بزرگ تقسیم می‌شود: حساب و هندسه و علم مناظر و علم نجوم تعلیمی و علم موسیقی و علم افعال و علم حیل" (Farabi, 1969, p. 39). حساب و هندسه و علم مناظر و علم افعال و علم حیل کاربرد بیشتری در معماری دارند. علم عدد (حساب) به دو بخش عملی و نظری تقسیم می‌شود: بخش عملی به شمارش مربوط می‌شود که بیشتر در معماری کاربرد دارد و بخش نظری به محاسبات و چهار عمل اصلی و غیره مربوط می‌شود. علم هندسه نیز به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود که هر دو بخش در معماری کاربرد دارد و بخش عملی بحث از خط و سطح و اشکال مختلف و کاربرد آنها در صنایع دارد و بخش نظری به بررسی اشکال و مجسمات در ذهن می‌پردازد و راه ساختن اشکال و دلاییشان را بررسی می‌کند و به نوعی به پایه‌های نظری معماری شکل می‌دهد. علم مناظر در واقع همان بحث علم هندسه است، اما هندسه در حالتی خاص و بر دو قسم است: اول؛ بررسی چیزهایی که به وسیله شعاع‌های مستقیم دیده می‌شوند. دوم؛ بررسی درباره چیزهایی که به وسیله شعاع‌های غیرمستقیم دیده می‌شوند که این قسم را علم مریا گویند. علم حیل آن چه را که در ریاضیات ثابت شده بر خارج منطبق می‌سازد و شامل دو بخش عددی و هندسی است. علم معماری یا مهندسی ساختمان، علم حیلی که مساحت اجسام را تعیین می‌کند (Farabi, 1969, p. 91). معماری علاوه بر علوم، با دیگر هنرها مانند موسیقی مرتبط است. در رساله معماریه این مطلب گواه آن است، "اینک وی که با اذکار و اوراد بر علم موسیقی گواه دهد. نبینی چه سان با ضربت کلنگ از مرمر آواز شریف «هو» برخیزد ... حال علم موسیقی را به تمامت در بنای این جامع شریف توان دید" (Efendi, 2010, p. 118). در ادامه شباهت‌های بیشتری از معماری و موسیقی را بیان می‌کند.

۳-۵- طبقه بندی معماری

فارابی در بخش علم مدنی اشاره دارد که "برای موفقیت در هر صنعت به دو چیز احتیاج است؛ یک: پیروی از قوانین کلی (علم) و دیگری نیرویی که بر اثر تمرین زیاد به دست می‌آید و این ورزیدگی تنها از راه تجربه و مشاهده بسیار به دست می‌آید" (Farabi, 1969, p. 108). کسب تجربه و کار عملی در کنار اخلاق است. اخوان اشاره دارند، "همه صنعت‌ها به دو قسم است: قسمی علمی و قسمی عملی". "علم: صورت حقیقی چیز است در نفس عالم، چنان که به برهان درست شود"، "عمل: صنعتی بود که از تخریب صانع عالم آید و آن را صورتی است به نفس عالم قائم" (Daneshpazhoh, 1996, p. 113). معماری هم دارای دو بخش علمی و عملی است و باید مبانی نظری را در هر دو بعد یافت، بخش علمی پیش‌نیاز بخش عملی می‌باشد و لازم است صانع معماری، عالم به علم معماری باشد. از طرفی می‌توان گفت که هندسه دو نوع است: عقلی و حسی (Daneshpazhoh, 1996, p. 47). "عقلی، معرفت ابعاد خط و سطح و جسم است و آن چه به آن پیوند و تصور آن در نفس به فکر بود برای دریافتن و فهم کردن. حسی، معرفت خط و سطح و جسم است و آن چه به آن پیوند از شکل‌های هندسی و با حس بصر یا لمس قابل درک است" (Daneshpazhoh, 1996, p. 47).

۴-۵- ارزش‌های معنایی معماری

اخوان الصفا این گونه گفته‌اند: "اصل جمله علمیات، خاصه آنچه تعلق به حکمت دارد، حساب و هندسه است"، "حرام است طلب علم و حکمت و شناخت خدای تعالی کردن که درین هر دو علم ریاضت نکرده باشد"، "و ما خود گوئیم که هر کس این دو علم را نشناسد هر چه گوید خطا باشد، از آن که علم الهی بعد از علم طبیعیات بعد از علم روحانیات" و "بدان که حساب و هندسه آن نردبان است که از وی به علم الهی و معقولات مجرد از ماده بشاید رسید" (Daneshpazhoh, 1996, p. 57). هندسه از علوم ضروری است و ارزش و مقام بالایی دارد و یادگیری آن برای تمام اهل حرفه‌ها مخصوصاً معماران لازم و پایه علم معماری است. گفته‌اند بطلمیوس عاشق علم نجوم بوده و علم هندسه را نردبان قرار داده و به وسیله آن به آسمان پرواز کرده است (Helabi, 1984, p. 149). هندسه دو جنبه کالبدی و مفهومی دارد که هر دو در شکل‌گیری اثر معماری مؤثرند.

علاوه بر حساب و هندسه، نسبت هم در شکل‌گیری معماری اثر قابل توجهی دارد. "باید دانست که ارکان از نظر نیرو متفاوتند و نیز ضد هم و صورت‌هایشان نیز گوناگون است و با هم در پیکارند و از هم گریزان جز با تألیف مؤلفی گردهم نمی‌آیند و تألیف نیز هرگاه نباشد، امتزاج و اتحاد پدید نمی‌آید" (Helabi, 1984, p. 44). نسبت، پیونددهنده اجزاء و ترکیب‌بند آن‌هاست و اجزای معماری را به هم می‌دوزد. از دیگر معنویات معماری، ارزش‌های اشکال و اعداد است. اشکال نیز از نقاط تشکیل می‌شوند مثلاً مثلث از سه نقطه تشکیل می‌شود، مربع از چهار نقطه و همچنین تا آخر و از خاصیت این شکل‌هاست که بر نظم طبیعت زیادت می‌شود. در جای دیگر عنوان می‌کند که در نظم مثلثات بسیار عبرت‌هاست! (Daneshpazhoh, 1996, p. 55). هندسه ایجاد نظم می‌کند و نظم می‌تواند مایه عبرت باشد. خدای بزرگ عالم افلاک را کروی شکل و گرد گردان آفرید، زیرا این شکل از چند جهت و معنی برترین شکل‌هاست و حرکت مستدیر از چند جهت برترین حرکات است (Helabi, 1984, p. 81). شکل‌ها الفبای نگارش معماری هستند، بدون دانستن معنای واقعی و تأثیرات معنوی آن‌ها نمی‌توان اثری تأثیرگذار خلق نمود.

حساب، هندسه، معماری و نسبت با اعداد ارتباط مستقیم دارند، در زمینه اعداد این‌گونه آمده است، امور طبیعی را خدا چنان آفرید که بیشترشان چهارگانه باشد (طبیعت‌ها، جهت‌ها، اخلاء، ارکان و غیره چهارگانه) دوازده؛ و همچنین خدای بزرگ سپهر را به دوازده قسم آفریده؛ زیرا این عدد برترین اعداد است. چه این عدد نخستین عدد زاید است. نه؛ شماره سپهر را نه کرد تا مطابق آن عدد فرد مجذور باشد. هفت؛ و نیز شماره ستارگان را هفت کرد تا مطابق آغاز عدد کامل باشد (Helabi, 1984, p. 81). ارزش‌های نهفته در اعداد، با تدبیر بیشتر می‌توانند به رموزی در معماری تبدیل شوند. رموز سبب تفاوت و تمایز در آثار می‌شود و در عین شباهت، تنوع آفرین است و کار را از تقلید خارج می‌کند، باید دانست که همچنان که متوسطان در هر دانش و هنری به تقلید خشنود نیستند، زیرا برای ایشان ممکن است که از راه براهین به بحث و کشف بپردازند ... مردمان متوسط در علوم نیز به تقلید راضی نباید باشند، بلکه بر ایشان نیز واجب است که از این اسرار بحث در پیوندند و رموز و اشارات آن‌ها را کشف کنند (Helabi, 1984, p. 101). رمزپردازی لازمه پیشرفت معنوی و فکری اهل فن می‌باشد و شیرینی کار و یادگیری را افزایش می‌دهد.

۶. معماری و الهیات

۶-۱- تأثیرات خداپرستی در درون

فارابی در بخشی از بخش علم الهی بیان می‌کند که این علم به توضیح مبادی برهان‌ها در علوم و تصحیح مبادی این علوم و تعریف جوهرها حذف پندارهای نادرست علوم می‌پردازد، مانند علوم منطق و هندسه و حساب و غیره و در پایان به این نتیجه می‌رسد که مبدأ تمامی علوم خداوند است (Farabi, 1969, p. 102). این تفکر در هندسه این‌گونه است؛ اصل خط نقطه می‌باشد، همان‌گونه که اصل تمامی اعداد، عدد یک است. پس چون نقطه‌ها حسی منظوم پیدا کنند خط تشکیل می‌شود و از آن خط سطح و از سطح صفحه ... (Daneshpazhoh, 1996, p. 48). تمامی عالم نشانگر وحدت می‌باشد و از یک جزء تشکیل شده است. هر علمی را واجب الوجودی است که تمامی آن علم از آن موجود می‌شود و بی‌آن وجود ندارند. بدان ای برادر هر دانش و ادبی که دارنده آن را به جست‌وجوی آخرت نرساند و در رسیدن با آن وی را یاری ندهد، خداوند خود را وبال است و روز رستاخیز حجتی است بر ضد او (Helabi, 1984, p. 39). معماری باید همگان را به توجه به رستاخیز سوق دهد. اخوان پس از بیان حکایت‌های در این مورد، گفته‌اند که: پس این حکایات و خبرها دلیل بر بقای نفس است پس ... از تن و انسان خردمند چون جان خود را در این جهان روشن ببینند از ناپاکی و شهوت‌ها و گناهان بپالاید و در این جهان پارسایی بیاید که هم‌و در مفارقت تن، چیزی مانع نمی‌شود که به آسمان پرواز کند و به بهشت داخل شده و آنجا با فرشتگان زیست کند (Helabi, 1984, p. 150). هدف رسیدن به اوج و آسمان و خداست و درون انسان میل به بالا دارد.

۶-۲- تأثیرات خداپرستی در عمل

خداپرستی باعث شکل‌گیری افعالی مانند وقف، نذر و ... می‌شود، " ... عزم دارم اگر خدا خواهد، در یک ماه پیش تخته‌ای آراسته بسازم که چون بفروشمش سه هزار آقچه یا بیشتر به دست آید. پس این مصحف شریف با دست رنج خود بخرم و وقف کنم و در جامع شریفی نهم تا مردم آن را بهر خدای تعالی بخوانند. چون نزدیک خدا مقبول افتد، باشد که ثواب تلاوت آن به من نیز رسد" (Efendi, 2010, p. 70). سنت پسندیده وقف ریشه در اعتقاد مذهبی دارد. به نقش خدایی دادن به اعمال روزانه کمک می‌کند، تأثیر دیگر متبرک کردن معماری با ذکر خداست، "چون حضرت آقا و تقید او بدید و مشاهده کرد که چه سان هم در مراقبت اوراد خود اقدام می‌کند و هم در کار بنایان ابرام، متحیر شد" (Efendi, 2010, p. 118). ذکر گفتن در حین کار از مستحبات مؤکد بوده، تا جایی که برای تک تک اعمال کار ذکرهایی داشته‌اند و افعال خود را به بزرگان منسوب می‌کردند "اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود علیه السلام که خانه کعبه بنا کرد. دیگر گفته‌اند که اول بنا نوح پیامبر بود علیه السلام..." و "اگر پرسند بزرگ تر بنایان که بود بگوی که

پیامبر ما صلوات اله علیه بود ... " (KhanMohammadi, 1992, p. 14) نسبت دادن صنعت به پیامبران سبب ایجاد ارزش برای حرفه و عمل معماری است.

۷. معماری و اخلاقیات

۷-۱- وجوه دنیوی اخلاقیات

برای معمار در زندگی دنیوی نیز اصولی اخلاقی وجود داشته است. اگر پرسند که چند اصل است بنایی را؛ بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دوم بر جاده راستی بودن، سوم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان (KhanMohammadi, 1992, p. 15). این اصول اشاره به فضیلت‌های انسان‌ساز دارد تا معمارساز، ابتدا باید خود را ساخت. "توان گفت که هرگز، ولو یک‌بار، به عمر خود بر زبان نیاورده است که "بر فلان کار قادرم و در فلان صنعت و عمل ماهر". اگر بیگانه‌ای سال‌ها با او همنشین شود، تا آقا برنخیزد و به کاری نپردازد از صنعت و کار و معرفتش در علم هندسه آگاه نشود" (Efendi, 2010, p. 65). این ویژگی‌های اخلاقی باید به صورت غیرمستقیم و در خلال رفتار منتقل شوند و در ابتدا خود معلم باید به این فضیلت‌های اخلاقی آراسته شود. علاوه بر اصول، قواعد جالبی هم در نظام آموزش پیشینیان بوده، این گروه یاران خود را به پراکندن دعوت خود در میان جوانان برمی‌انگیختند تا پیران (Helabi, 1984, p. 27). پس بدان که نمونه افکار جان‌ها پیش از آن که دانشی از دانش‌ها یا رأیی از آرا در آن‌ها پدید آمده باشد مانند ورق سفید پاکیزه است که چیزی خواه حق، خواه باطل در آن نوشته نیست و اگر جز این باشد و چیزی بر آن نوشته شود و زمان بگذرد، پاک و محو کردن آن سخت شود (Helabi, 1984, p. 6). برای تربیت معمار باید برنامه‌ای برای سن‌های پایین‌تر داشت. "عمر کوتاه است و هنرها بسیار و از این روست که در هر شهر و قریه‌ای مردم زیادی دور هم گرد آمدند تا همدیگر را یاری دهند" (Helabi, 1984, p. 90). ضروری است کار گروهی به هنرجویان معماری آموزش داده شود.

بدان ای برادر که خاک شهرها و شهرک‌ها و دیه‌ها از چند جهت دگرگون می‌شود ... همه این‌ها به اختلاف مزاج اخلاط می‌انجامد و اختلاف مزاج اخلاط به دگرگونی اخلاق و طباع و رنگ‌ها و لغت و عادت‌ها و اندیشه‌ها و آرا و مذاهب و اعمال و صنایع و تدبیرها و سیاست‌های آنان می‌انجامد (Helabi, 1984, p. 151) و این دگرگونی در معماری هر خطه اثرگذار است و معماری همساز با اقلیم و متناسب با هویت آن منطقه را شکل می‌دهد.

۷-۲- وجوه معنوی اخلاقیات

اولین گام شناخت خود است. "چون این علوم برشمرديم گوئيم هيچ کس را مسلم نشود در علمی نفس زدن یا دعوی دانش کردن تا او را علم و معرفت نفس خویش حاصل نشود و هر قومی و امتی که سرگشته و گمراه شدند و اعتقادی فاسد برگرفتند، همه از جهل ایشان بود به نفس خویش" (Daneshpazhoh, 1996, p. 111). لازمه کسب علم، خودشناسی است. معمار ابتدا باید به نفس خویش عالم باشد. گام بعد صفای درون و تزکیه دل است؛ "نبینی که پولاد چون مصقول باشد چگونه نور آفتاب را قبول کند و جوهری چون آتش پدید آید که اگر زنگار گرفته بود او را از آفتاب اثر نبود. پس چه آینه زنگار گرفته چه سنگی" (Daneshpazhoh, 1996, p. 116). برای داشتن محصول معماری مطلوب نیاز به معمار پاک‌دل است و نیاز است که به معماران روش‌های تزکیه دل را آموزد، چرا که: آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند ... ریاضت کشیدن یکی از راه‌های تزکیه دل است "و هر چه ما در حساب و هندسه یاد کردیم، چون مرد ریاضت یافته شود تواند که بعد از حس آن عدد را یا آن شکل را مجرد از ماده بیند و تصور کند" (Daneshpazhoh, 1996, p. 57). با ریاضت، انسان بینشی خاص پیدا می‌کند و به ذات نهفته در هر چیز پی می‌برد و علاوه بر هندسه عقلی، هندسه حسی را نیز درست درک می‌کند.

"بر حکیمان واجب است که هرگاه در حکمت را برای آموزگاران می‌گشایند و رازها را برای خواهندگان کشف می‌کنند، نخست آنان را ریاضت فرمایند و جان‌های آنان را به تهذیب بپیرایند تا نفوس آن‌ها صافی و اخلاقشان طهارت گیرد" (Helabi, 1984, p. 131). در تربیت معمار باید متناسب با درجه پاکی نفس او برایش از علوم و روش‌ها بیان شود. "و دیگر فرماید لیطمئن القلوب. و این صفتی است که همگان را لازمست و اهل این حرفه (بنایی) را خاص؛ و هر که دل او به نور حق منور نشد. و از ظلمات شک و جهالت خلاص نیافت، همواره مستحوش و ترسان و بد دل و پریشان باشد چه ترس از خواص تاریکی و تیرگیست و امن از خواص روشنی" (KhanMohammadi, 1992, p. 12). باید در فرآیند طراحی و آموزش به پاکی دل و مراتب آن توجه کرد و بر معلم لازم است تا با صبر، متناسب با پیشرفت دانشجو رازها را برایش آشکار کند.

۸. معماری و آموزش

۸-۱- سلسله مراتب در نظام آموزشی

نظام جماعت اخوان الصفا دارای چهار مرتبه بوده است: مرتبه نخستین (برادران نیکوکار مهربان) ویژه مبتدیان، کسانی که از پانزده تا سی سال داشته‌اند که به تندیبی و نیکوپردازی ممتازند. مرتبه دوم (برادران نیکوکار دانا) کسانی که سالشان میانه سی تا چهل بوده که به بزرگ منشی و بهره‌رسانی و رحمت و دلسوزی برای یاران ممتازند. مرتبه سوم (برادران فاضل کریم) اعضای که میانه چهل تا پنجاه سال سن دارند که به نیروی امر و نهی ممتازند ... و مرتبه چهارم ویژه اعضای که بالای پنجاه سال سن دارند و حق را آشکارا می‌بینند و آن مرتبه حکیمان است و هرکس به این مرتبه رسد برتر از طبیعت و قانون است و می‌تواند احوال قیامت را مشاهده کند (Helabi, 1984, p. 26). توجه به سن، تقدم بزرگی افراد، احترام گذاشتن به بزرگان و کسب علم کوچک‌تران از بزرگ‌تران مهم است و در نظام آموزشی باید به آن توجه شود. «بدان که بنایان را مراتبی است که ایشان را بدان مراتب شناسند، پایین‌ترین مرتبه مزدور باشد... دو دیگر صاحب است که حد واسط میان استاد و مزدور است... سه دیگر استاد بناست...» (KhanMohammadi, 1992, p. 10). داشتن سلسله مراتب، مرتبه افراد را مشخص می‌کند و انگیزه‌ای می‌شود برای پیشرفت و در استحکام روابط استاد و شاگردی مؤثر است. "پیر استادان سنگ‌کار و آنان مساجد شریف و جوامع لطیف سازند کیست؟ خود بگویم: پیر ایشان شیث نبی، پیر آدم صفی اله، است که درود خدای بر ایشان باد (Efendi, 2010, p. 57) ریشه مذهبی دادن به صنعت و داشتن یک پیر از مبانی فکری بوده و نیاز است که در مقیاس‌های کلان تا خرد می‌توان سلسله مراتبی از پیران و اهل حرفه ایجاد کرد.

۸-۲- چگونگی آموزش به دیگران

"علم از سه طریق به دست شاید آوردن: اول به حس، دوم از فکر، سوم از تعلیم و درستی این هر سه به برهان باشد" (Daneshpazhoh, 1996, p. 113). معلم معماری باید با طریق آموزش آشنا باشد و از تمامی تکنیک‌ها استفاده کند.

۹. جمع بندی

مبانی نظری مرتبط با معماری را می‌توان مطابق جدول زیر در چهار دسته که حاصل از ترکیب سیر تنازلی حاصل شده است، طبقه‌بندی کرد.

جدول ۱: مبانی نظری اثرگذار بر معماری بر اساس متون کهن در سلسله مراتب نظری و عملی

منبع	مرتبط با خداوند	مرتبط با انسان	مرتبط با علم معماری	مرتبط با آموزش معماری
۱ احصاء العلوم	- مبدا علوم خداست.	- پیروی از اخلاق حسنه و زندگی با مردم در کنار آموزش برای ایجاد مدینه فاضله.	- معماری جمع قانون مند عناصر است. - معماری حاصل وحدت اجزاء است. - معماری صنعت است. - معماری دارای کمیت و کیفیت است.	- لزوم کار عملی در کنار علم - لزوم قانون‌مندی صناعات
۲ مجمّل الحکمه	- هر علمی را واجب الوجودی است.	- لزوم ریاضت برای صفای درون. - خودشناسی لازمه کسب علم است. - لزوم تزکیه دل	- هندسه، دو بخش عقلی و حسی دارد. - در نظم مثلثات بسیار عبرت هاست. - شناخت هندسه پیش نیاز شناخت دیگر علم است. - صنعت‌ها دارای دویخش علمی و عملی هستند.	- سه راه کسب علم: فکر، تعلیم؛ همه با برهان تکمیل می‌شوند.
۳ گزیده اخوان الصفا	- علمی که در راستای خدا نباشد بی ارزش است. - درون انسان میل به بالا دارد.	- کسب علم در سنین پایین نیکوتر است. - کار گروهی و همیاری نیاز است. - تهذیب نفس قدم اول آموزش است. - اقلیم در اخلاق اثر دارد.	- برخی اعداد و اشکال برتر هستند. - پیوند و ترکیب اجزاء نسبت معین دارد. - اثر معماری احتیاج به رمزپردازی دارد. - هندسه نردبان آسمان است.	- نظام آموزشی نیازمند سلسله مراتب شانی است. - لزوم آموزش ریاضیات

۴	رساله معماریه	- وقف راه تقرب به خداست. - ذکر گفتن در حین کار پسندیده است.	- دانشجو باید خویشتن دار باشد. - کار آموز باید به استادان خود احترام بگذارد.	- هئندسه لازمه معماری است. - معماری دارای موسیقی است.	- در آموزش به حضور پیر نیاز است.
۵	فتوت نامه بنایان	- معماری ریشه قدسی دارد.	- دل روشنی لازمه معماری است. - پنج اصل معماری: طهارت، راستی، حیا، نظر از غیر برداشتن، کم سخنی، ادب نزد بزرگان.	- معماری یک پیشه و حرفه است.	- نظام آموزشی نیازمند سلسله مراتب شانی است.

۱۰. نتیجه گیری

مبانی نظری، شکل دهنده شخصیت و فکر انسان‌ها و نشانی از هویت افراد است. آموزش مبانی نظری معماران سنتی کمکی برای احیاء هویت ایرانی اسلامی است. یکی از روش‌های دستیابی به مبانی نظری، بررسی متون و دست نوشته‌های انسان‌هاست، بررسی متون کهن رشته معماری و صنایع وابسته به آن ما را به اندیشه‌های یاریگر معماران سنتی نزدیک می‌کند.

اعتقاد به خداوند در پس تمامی افعال معماران سنتی بوده است. همان‌گونه که خداوند به‌عنوان مرکز و محور عالم هستی شناخته می‌شود، در هندسه معماری نیز این اعتقاد در قالب مرکزیت یا محوریت در ترکیب فضاها و اشکال مختلف تجلی یافته است که تأکیدی بر اصل توحید و ذکر خداوند است.

در نظام معماران سنتی، آموزش همراه با خودسازی و کسب فضایل اخلاقی بوده است. شایسته است که آموزش از دوران جوانی آغاز شود و به مرور جوان نسبت به خود، شناختی پیدا می‌کند و با تزکیه دل و ریاضت، نفس او پذیرای کسب معارف علمی می‌شود.

معماری صنعتی است که از امور مفرد بسیار و پراکنده‌ای که محصور و مندرج در قوانینی شده‌اند و ترتیب معینی را در ذهن ایجاد می‌کند تشکیل شده است و دارای ابعاد مختلف علمی، عملی، عقلی و حسی است. با علوم و صناعاتی نظیر منطق، ریاضیات، نجوم، ادبیات، موسیقی، صنایع دستی مختلف و حتی پزشکی ارتباط دارد. شعب ریاضیات مانند: هندسه، حساب، مناظر و نجوم، ارتباط بیشتری با معماری دارند و شیوه ارتباط این علوم با معماری نیازمند توجه و آموزش است. آشنایی با ویژگی‌های کمی و کیفی اجزای معماری شامل اشکال، تناسبات، معانی و غیره لازمه استفاده از آن‌هاست. همراه با مباحث علمی، توجه به مباحث اخلاقی مانند رعایت سلسله مراتب در نظام آموزشی و توجه به مقام و منزلت انسان و حقوق دیگران، ارج نهادن به مقام معلم و غیره اهمیت ویژه‌ای دارد.

برای عملیاتی شدن موضوعات مطرح شده، در آموزش معماری، نیاز به همکاری مراکز آموزشی، پژوهشی و اجرایی است، با بازبینی و توجه به دروس زیربنایی و اخلاقی می‌توان باعث رشد و قوام تفکر و نیز ملکات اخلاقی و عادات حسنه شد. برای این منظور راهکارهای اجرایی زیر توصیه می‌شوند:

- آموزش هندسه بر مبنای آموزه‌های حکمی هندسه اسلامی ایرانی در دروس هندسه کاربردی و طراحی و توجه به این مورد که هندسه تنها شکل و خط نیست، بلکه ارتباط عمیقی با معنا، قوانین و نظم خلقت دارد.
- توجه به نظام و منش آموزش معماران سنتی از جمله متون اخلاقی و سیاقی نظیر فتوت نامه‌ها به‌عنوان الگوی اخلاق معماری، هم در قالب نظری و هم عملی برای شکل دادن خلق و خوی شایسته معماران.
- استفاده از تمرین‌ها و برداشت از بناهای ارزشمند ایران اسلامی و راهکارهایی از این قبیل در درس‌های طراحی برای نهادینه شدن تفکر توحیدی و غایت‌گرا در طرح‌های معماری.
- از آنجا که تخصصی کردن رشته‌ها، علوم مختلف را تجزیه و جدا ساخته است اضافه نمودن دروسی که ارتباط و پیوند علوم را در نظامی کل‌نگر و غایت‌گرا بررسی کند؛ نظیر منطق، ادبیات، الهیات و اخلاق.

پی‌نوشت

۱. متون حکمی: متونی که مطالب عنوان شده در آن غایت‌گرا است و هدف آن‌ها دانایی، شناخت و قرب‌الهی است (نک؛ لغت‌نامه دهخدا).
۲. هویت: مرکب از «هویت» مصدری عربی است که از چه بودن «هو» یا «او» و در مقام پاسخ به پرسش «ما هو» یعنی «آن چیست» سخن به میان می‌آورد، می‌توان آن را «چیستی» ترجمه نمود (Noghrekar, 2008, p. 57).
۳. منظور از محدوده هویت ایرانی اسلامی محدوده مرزهای جغرافیایی کنونی ایران نیست، بلکه کل حوزه فرهنگ ایران را که متأثر از دین اسلام است را شامل می‌شود. در این مقاله منظور از هویت ایرانی اسلامی اندیشه و فرهنگی است که در فاصله زمانی قرون اول تا سیزدهم هجری در قلمرو فرهنگی ایران شکل گرفته است.
۴. مبانی نظری شاخه‌ای از دانش است که موضوع آن بررسی اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و روشن ساختن درستی یا نادرستی آن‌هاست (Noghrekar, 2010, p. 3).

References

- Ahmadi, H. (2004). *Identity and Nationality in Iran (Articles Collection)*. Tehran: Institute for Human Sciences Research and Development Press.
- Amid, H. (1987). *Amid Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Press
- Catherine, S. & Angus, S. (2008). *Oxford English Dictionary: 11th Edition Revised*. New York: Oxford University Press.
- Daneshpazhoh, M. & Afshar, I. (1996). *Mojmal Al'Hikmat*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Dehkhoda, A. (1955). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University Press.
- Efendi, C. (2010). *Risāle-i mi'māriyye: An Early-seventeenth-century Ottoman Treatise on Architecture: Facsimile with Translation and Notes*. Tehran: Matn Press.
- Farabi, A. (1969). *Ihsa al'Olum*. (H. Khadivjam, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Press
- GhayomiBidhendi, M. (2007). Architectural Education in Pre-modern Era Based on Risāle-i mi'māriyye, *Soffeh* (42), 64-85.
- GhayomiBidhendi, M. (2010). Converse on Written Resources of Iranian Architectural History and Search Method in them, *Golestan'e'honar*, (15), 5-20.
- Ghoddusifar, S., Etesam, I. & Habib, F. (2012). Iranian Traditional Architecture Education and Place of Subjective Perception in it, *JIAS*, 1(1), 39-58.
- GolijaniMoghaddam, N. (2007). *Historiology of Iranian Architecture*. Tehran: Tehran University Press.
- Halabi, A. (1984). *Selection of the Ikhvan al-Safa*. Tehran: Zavvar Press.
- Hojjat, I. (2003). Architecture Education and Worthless Values, *Honarhaye Ziba*, (14), 63-70.
- KhanMohammadi. A. (1992). Principle of Builders, *Soffeh* (5), 10-15.
- Mahdavinejad, M. & Bemanian, M.R. & Khaksar, N. (2010). Architectural Identity; Explaining the Meaning of Identity in Pre-modern, Modern and fore Modern World. *Hoviatshahr*, 5(7), 113-122.
- MirMoghtadaii, M. (2004). Measures of Recognition and Evaluation of Physical Identity of Cities, *Honar-Haye-Ziba*, (19), 17-26.
- Moein, M. (1992). *Persian Word Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Press
- Mohaghegh, M. (1991). The Division of Science from the Point of View of Islamic Scholars, *Siasat*, (1), 28-37.
- Naghizade, M. (1999). Sources and Methods of Understanding the Theoretical Foundations of Holy Architecture and Islamic City, *Honar*, (40), 99-116.
- Necipoglu, G. (2010). *The Topkapı Scroll: Geometry and Ornament in Islamic Architecture*, (M. GhayomiBidhendi, Trans.). Tehran: Rozaneh Press.
- Noghrekar, A. (2008). *Introduction to Islamic Iranian Identity*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development Press.
- Noghrekar, A. (2010). *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Payam Noor University Press.